

# جایگاه کرکوک در معادلات راهبردی عراق: با تمرکز بر موضوعات کلیدی و کارگزاران تحول

قدیر نصری<sup>۱</sup>  
آرمان سلیمی<sup>۲</sup>  
آرام ولدبیگی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۶/۲۲

فصلنامه آفاق امنیت/ سال پنجم/ شماره نوزدهم-تابستان ۱۳۹۲

## چکیده

تحولات عادی کشورها هنگامی صبغه راهبردی می‌یابد که ارزش‌های حیاتی بازیگران متحول شود؛ یعنی مؤلفه‌هایی چون تمامیت ارضی، انسجام اجتماعی و رژیم سیاسی آنها از سوی نیروهای داخلی یا قدرت‌های خارجی یا هر دو دگرگون شود. بر این مبنای واپسین روزهای سال ۲۰۱۳ موضوع کرکوک و آینده آن دوباره به بحثی پرمناقشه تبدیل شد و مجموعه‌ای از بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی درباره سرشت بحران کرکوک و سرنوشت آن موضع‌گیری کردند. پس از خروج آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱، حدس غالب این بود که عراق با خلأ امنیتی مهمی مواجه خواهد شد و نگاه‌ها به منطق بازیگران در شکل‌دهی به آینده حیات سیاسی عراق دوخته شده بود. اکنون با فرض اینکه موضوع کرکوک کانون تراکم منافع هویتی - اقتصادی بازیگران داخلی و منطقه‌ای است، این پرسش مطرح است که بحث‌های مناقشه‌انگیز و مسأله‌آفرین در کرکوک کدام‌اند و بازیگران کلیدی چه برداشت و موضعی در برابر این موضوعات دارند؟ نویسندگان این مقاله با بررسی اسناد علمی تولیدشده در باب ریشه‌های بحران کرکوک و مقایسه یافته‌های محققان این حوزه به این فرضیه قابل تأیید رسیده‌اند که طولانی شدن بحران کرکوک به ارزش موضوع مورد مناقشه بستگی دارد و ارزش اقتصادی - هویتی کرکوک به حدی است که طرف‌های درگیر حاضر و قادر به اغماض و مصالحه نیستند. دیگر اینکه برخلاف دهه‌های پیشین و در پناه گفتمان‌های مهمی چون حقوق بشر و نفی تبعیض، حتی ضعیف‌ترین اقلیت‌ها هم خود را قادر به بقا و انتخاب سبک زندگی می‌دانند. در نهایت باید به منافع و علایق متعارض قدرت‌های متعددی اشاره کرد که برد دیگری را باخت خود می‌پندارند و به تداوم بحران کنونی اشاره می‌کنند. هم‌چنین افزایش تدریجی قدرت حکومت مرکزی (بغداد) و رشد خودباوری در اقلیم کردستان مؤلفه جدیدی است که افق‌های پیش روی کرکوک را تیره و نار کرده است.

## واژگان کلیدی

کرکوک، شکاف قومی، ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، تعریب، هویت‌خواهی

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی  
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه  
۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

## طرح مسئله

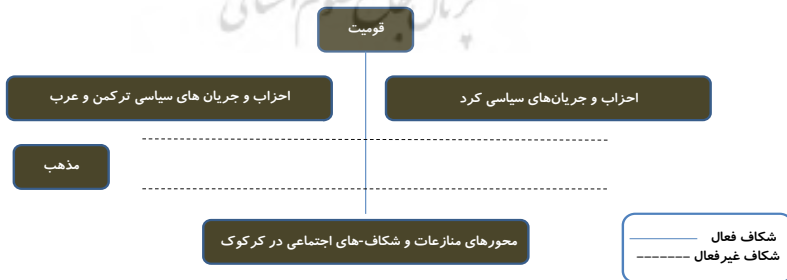
ایجاد نظامی فدرال مبتنی بر مشارکت همه گروه‌های قومی و مذهبی ساکن عراق چشم‌اندازی بود که امید می‌رفت در عراق بعد از سقوط رژیم بعث در ۲۰۰۳ تحقق پیدا کند؛ به گونه‌ای که ماده اول قانون اساسی جدید عراق بر استقلال و پذیرش فدرالیسم در این کشور صحنه می‌گذارد و رژیم حکمرانی عراق را «جمهوری پارلمانی دموکراتیک»<sup>۱</sup> مقرر می‌کند. اما بعد از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، سیستم جدیدی از حکمرانی سیاسی در عراق شکل گرفت که مبتنی بر تقسیم عراق به دو منطقه سیاسی مجزای کرد و عرب بوده است. هرچند سقوط رژیم بعث نویدبخش پایان جنگ و خون‌ریزی در عراق بود و امید می‌رفت این کشور نمونه‌ای موفق از دموکراسی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان جمعیت‌های هویتی مختلف در خاورمیانه شود، اما با گذشت زمان نه تنها این آمال تحقق پیدا نکرد، بلکه دوری جدید از منازعات بر عراق سایه انداخته است. روند اختلافات و تنش‌های سیاسی میان جناح‌های سیاسی، از جمله حکومت اقلیم کردستان و حکومت فدرال عراق به ویژه بعد از خروج نیروهای نظامی آمریکا از این کشور در ۲۰۱۱ چنان گسترش یافته است که حتی می‌توان وقوع دور جدیدی از جنگ داخلی را در عراق محتمل دانست. مرکز ثقل اختلافات و تنگناهای عراق بعد از ۲۰۰۳ بر محوریت کرکوک و مسائل پیرامون آن بوده است. می‌توان گفت «کرکوک بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین مسئله سیاسی جنبش‌های سیاسی کردستان عراق با دولت مرکزی عراق طی ۸۰ سال اخیر بوده است» (عه زین، ۲۰۰۷: ۵).

کرکوک از سال‌های بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و متعاقب آن تشکیل دولت ملی عراق در ۲۳ آگوست ۱۹۲۱، از مهم‌ترین نواحی مورد توجه نیروهای سیاسی مختلف داخلی عراق و هم‌چنین نیروهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. کرکوک با داشتن منابع سرشار نفتی و موقعیتی پیچیده در زمینه‌های سیاسی، قانونی و دموگرافیک طی سالیان متمادی مورد ادعای مالکیت و محل منازعه کردها، ترکمن‌ها و اعراب در داخل عراق و ترکیه به عنوان بازیگری خارجی بوده است. در سال‌های حاکمیت رژیم بعث در عراق، کرکوک همواره محور منازعات کردها با حکومت مرکزی را شکل می‌داد؛ اما نکته قابل توجه منازعه کردها، اعراب و ترکمنان بر سر کرکوک در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ است که هریک از این جناح‌ها درصدد دست گرفتن امور سیاسی این استان است. به عبارتی بعد از فروپاشی رژیم بعث در ۲۰۰۳، جناح‌های سیاسی عراقی و قدرت‌های منطقه‌ای برای افزایش وزن سیاسی خود در عراق، کرکوک را محور قرار داده‌اند. با توجه به اهمیت کرکوک برای جناح‌های داخلی و خارجی



ذی‌نفع در کرکوک، پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که بحث‌های مناقشه‌انگیز و مسأله‌آفرین در کرکوک کدام‌اند و بازیگران کلیدی چه برداشت و موضعی در برابر این موضوعات دارند؟ با بررسی اسناد علمی تولیدشده درباره ریشه‌های بحران کرکوک و مقایسه یافته‌های محققان، فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش کلیدی مطرح می‌شود این است که طولانی شدن بحران کرکوک به ارزش موضوع مورد مناقشه بستگی دارد و ارزش اقتصادی - هویتی کرکوک به حدی است که طرف‌های درگیر حاضر و قادر به اغماض و مصالحه نیستند. دیگر اینکه برخلاف دهه‌های پیشین و در پناه گفتمان‌های مهمی چون حقوق بشر و نفی تبعیض، حتی ضعیف‌ترین اقلیت‌ها هم خود را قادر به بقا و انتخاب سبک زندگی می‌شمارند. در همین راستا برای روشن‌تر شدن هر چه بیشتر بحث، طی ساختار مقاله حاضر ارائه تبیینی بر مبنای جامعه‌شناسی سیاسی از موقعیت و وزن سیاسی جناح‌های سیاسی درگیر در کرکوک، مهم‌ترین مسأله‌ای است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای تعیین وزن سیاسی و جایگاه هر کدام از جناح‌های درگیر در مسأله کرکوک توجه به ریشه و محور شکاف‌های اجتماعی در کرکوک ضروری است. حضور جمعیت‌های قومی و مذهبی مختلف و هم‌چنین اهمیت اقتصادی کرکوک سبب ایجاد شکاف‌های قومی، مذهبی و اقتصادی در این استان شده است. در این میان، شکاف قومی مهم‌ترین و فعال‌ترین شکافی است که جناح‌بندی‌های سیاسی بر محور آن شکل گرفته‌اند. به عبارتی هرچند در کرکوک شکاف مذهبی و اقتصادی بسیار ملموس است، اما این شکاف‌ها در مواجهه با جناح‌بندی‌های قومی در این استان اهمیت خود را از دست داده و در حاشیه منازعات و جناح‌بندی‌ها قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان شکاف‌های اجتماعی موجود در کرکوک را این‌گونه ترسیم کرد:



در کرکوک شکاف قومیت تک‌شکاف عمده و فعال است که دو شکاف مذهبی و طبقاتی بر آن مترکم می‌شوند. ترکمانان، اعراب و کردهای کرکوک، با وجود داشتن دو مذهب شیعه و سنی بین جمعیت خود، بدون توجه به جایگاه مذهبی و در نظر گرفتن قومیت خاص خود، در برابر هم موضع‌گیری می‌کنند. از طرف دیگر کرکوک دارای طبقات فقیر و مرفه است؛ اما جایگاه طبقاتی ساکنان آن تأثیری چشم‌گیر در موضع‌گیری و تصمیم‌های سیاسی ساکنان آن نداشته است. به عبارت کلی، شکاف قومی غالب‌ترین محور فعال در سطح جامعه کرکوک است و مشارکت‌ها و تصمیم‌های سیاسی بر مبنای آن شکل می‌گیرد. با این وصف، مقاله حاضر با استناد به چارچوبی تئوریک قصد شناخت ماهیت بحران کرکوک و ریشه‌های آن را دارد.

### چارچوب نظری برای فهم ماهیت و جهت بحران کرکوک

شدت بروز بحران تابعی از امتداد تاریخی و نیز سرایت آن به مناطق هم‌جوار و مشابه است. علاوه بر آن، تقارن بین الزامات بین‌المللی و بافتار اجتماعی داخلی، قاعده روشنگری است که به شکل‌گیری<sup>۱</sup> یا تغییر شکل<sup>۲</sup> واحدهای سیاسی می‌انجامد. در منطقه آسیای جنوب غربی، اراده بین‌المللی و خواست قدرت‌های فرامنطقه‌ای سهم ممتازی در فرم و نتیجه تحولات دارد؛ به گونه‌ای که در غیاب اراده بین‌المللی، معادلات داخلی فقط یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده به تحولات است. از سوی دیگر، بدون استعداد و انگیزه داخلی، نمی‌توان صرفاً با اتکا به پشتیبانی بین‌المللی، سامان سیاسی پایداری را بنیان نهاد. بر این اساس مجموعه امنیتی خاورمیانه نظاره‌گر خوشه‌های متعددی است که از نظر مؤلفه‌های چهارگانه تشکیل دولت (سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت) واقعاً شکننده‌اند (نصری، ۱۳۹۰). تداوم بحران در سرزمین‌های اشغالی، ده‌ها سال مبارزه بین اقلیت‌های قومی - مذهبی با دولت‌های مرکزی، مداخله‌های مکرر بین‌المللی و نسل‌کشی و مخالف‌کشی در خاورمیانه شکنندگی حکومت و نیز اضطراب جامعه خاورمیانه‌ای را روایت می‌کند. با فرض اینکه ایجاد بحران معلول علایق استعمارگران و مرکزکشی‌های موزیانه آنها بوده است، اکنون پس از سال‌ها خروج استعمارگران، هم‌چنان شکنندگی دولت و منازعه جوامع قومی - مذهبی علیه دولت مرکزی به چشم می‌خورد. طولانی شدن این منازعه‌ها و تبدیل شدن به هویتی انکارناپذیر، مسئله امروز بسیاری از کشورهای خاورمیانه است. این وضعیت اکنون کانون‌هایی در خاورمیانه

1. Formation  
2. Deformation



به وجود آورده است که نیروهای مهمی در آن دخالت داشته‌اند و حل و فصل این منازعات به طرز حیرت‌انگیزی دشوار شده است. همین دشواری راه‌حل، راه جنگ خشونت‌بار، صلح مسلح یا جنگ سرد را مشخص کرده است.

تأمل در ریشه‌های پدیداری این قبیل بحران‌ها و شیوه‌های گسترش آنها مؤید این نظریه است که حصول به یک توافق یا دست نیافتن به آن پیش از هر موضوعی به ارزش موضوع مورد مناقشه مربوط است. ارزش موضوع مورد مناقشه (مثلاً مرزهای کرکوک) آن‌گاه پیچیده می‌شود که علاوه بر واقعیت‌ها، برداشت‌ها نیز وارد معادله شود و یک یا همه طرفین، موضوع را بسیار راهبردی ببینند بدون آنکه در واقع آن‌گونه باشد. از این رو اصالت یافتن برداشت‌ها و مواجهه طرفین بر مبنای برداشت‌ها و تصورات<sup>۱</sup> مهم‌ترین موضوعی است که پل‌های آشتی را به سدهایی برای حصول توافق بدل کرده است. دیگر اینکه علایق و منافع متعارض تعداد کثیری از قدرت‌های داخلی و خارجی سبب شده است که بر مدت، شدت و فوریت بحران افزوده شود و از احتمال وقوع یک توافق برد - برد کاسته شود. «هرگاه روند به گونه‌ای باشد که تعداد مضاعفی از قدرت‌ها و نیروهای جدید به موضوع مناقشه افزوده شوند، بدون اینکه از تعداد نیروهای سابقاً دخیل در ماجرا کاسته شود، آن‌گاه با معمایی امنیتی و گره‌محور در بحران مواجه هستیم که هر دم آهنگ بحران را تشدید و احتمال توافق را تضعیف می‌کند. سوم آنکه حل و فصل بحران و تبدیل آسیب‌پذیری‌ها به فرصت آن‌گاه حاصل می‌آید که نخبگان دخیل، علاوه بر اراده، از مهارت‌های ضروری هم برخوردار باشند. مهارت حل بحران و اجتناب از توسل به زور و خلاف طرف مقابل، در صورت تداوم می‌تواند به شکل‌گیری یک سنت پایدار توافق دموکراتیک و مصالحه طولانی‌مدت ختم شود. هر گاه و هر جا که سنت دموکراتیک وجود نداشته باشد، نیروهای هراس‌انگیز و امنیتی بر دیپلمات‌ها پیشی می‌گیرند و انتظار منازعه قوی‌تر از انتظار مصالحه خودنمایی می‌کند. چنین سنتی در پرتو مذمت اخلاقی جنگ، صرفه اقتصادی صلح و غیرتخصصی کردن سیاست (اطاعت رهبران از دستگاه بوروکراتیک و قانون) جای‌گیر می‌شود. عکس این ماجرا هم صادق است؛ یعنی در شرایط تکریم جنگ و توجیه اقتصادی آن از سوی جنگ‌سالاران، شکل‌گیری سنت دموکراتیک همواره به تعویق می‌افتد» (نصری، ۱۳۹۰). تأمل در بحران کرکوک موارد نظری فوق را تا حدود زیادی روشن می‌کند.

## ابعاد پیچیدگی مناقشه کرکوک

کرکوک در ۲۵۰ کیلومتری شمال بغداد در دامنه کوه‌های زاگرس قرار گرفته است و چهارمین شهر بزرگ عراق محسوب می‌شود. برای پی بردن به اهمیت کرکوک در تحولات آتی عراق بررسی موقعیت پیچیده آن ضروری می‌نماید. در مجموع پیچیدگی موقعیت کرکوک را در سه بعد اساسی ذیل می‌توان ارزیابی کرد:

### ۱. پیشینه و محدوده کرکوک

کرکوک در منطقه بین کوه‌های زاگرس، رودخانه‌های زاب کوچک و دجله و رشته‌کوه‌های حمیرین و رودخانه سیروان (دیالی) واقع شده است. این منطقه در عهد ساسانیان گه‌رمه‌کان<sup>۱</sup> یا سرزمین «گه‌رم» به معنای همیشه گرم شناخته می‌شد. این عنوان هم‌چنان بر این منطقه اطلاق می‌شود و در نهایت «گه‌رمیان»<sup>۲</sup> نامیده شد (طالبانی، ۱۹۹۱: ۲۱). «قاموس الاعلام»، فرهنگ‌نامه تاریخی و جغرافیایی معتبر و مهم عثمانی که در سال ۱۳۱۵هـ/ ۱۸۹۶م در شهر آستانه منتشر شده است، موقعیت مرکز شهر کرکوک را این‌گونه بیان می‌کند: «شهر کرکوک در ضمن ولایت موصل که زیر مجموعه کردستان می‌باشد، در فاصله ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی موصل قرار گرفته است که در آن کوه‌های زیاد و دشت وسیعی وجود دارد که وادی [سرزمین] آدم نامیده می‌شود. شهر کرکوک مرکز ایالت شه‌رزور<sup>۳</sup> است و حدود سی هزار نفر جمعیت دارد» (طالبانی، ۱۹۹۱: ۲۱).

جدای از موقعیت تاریخی، کرکوک در چند قرن گذشته از نظر منابع طبیعی، تجارت و کشاورزی موقعیتی مناسب داشته است. کرکوک به لحاظ منابع طبیعی، بعد از پایگاه‌های نفتی رمیله در جنوب عراق، دومین منطقه بزرگ استخراج نفت این کشور به شمار می‌آید. هم‌چنین در زمینه تجارت و کشاورزی کرکوک و مناطق مجاور آن طی چند قرن گذشته، همواره محل عبور کاروان‌های تجاری امپراتوری عثمانی به ایران و سایر کشورها بوده‌اند؛ اما امروز به دلیل نزاع‌های سیاسی و تغییر نوع مبادلات و تجارت تا حدودی از اهمیت کرکوک در زمینه تجارت کاسته شده است. صرف‌نظر از اهمیت تجاری و بازرگانی کرکوک «مرزهای این استان دارای دشت‌های وسیع و خاک حاصل‌خیز بوده و به طور دائم کشاورزی و باغداری در آن رونق داشته است.

1. Garmakan  
2. Garmiyan  
3. Sharazur



بارندگی‌های مداوم و منظم عاملی بر این امر بوده است... هم‌چنین کرکوک دارای سرچشمه‌های بزرگ آب است، هرچند این منابع آبی همیشه در خدمت سیاست‌های دولت مرکزی بوده است» (عارف، ۲۰۰۹: ۱۱).

با وجود اهمیت کرکوک در ابعاد یادشده، شاخص‌ترین بعد پیچیدگی جغرافیایی کرکوک اهمیت مرزی و سرزمینی آن است. از یک سو، کردها کرکوک را مرز و دروازه اقلیم کردستان با حکومت مرکزی می‌دانند؛ بدین معنی که از نظر کردها، سلسله جبال «حمرین» مناطق کردنشین را از سایر مناطق عراق جدا می‌کند. از سوی دیگر، هرگونه تغییر و تحول در مرزهای اداری استان کرکوک ممکن است دو بازتاب عمده داشته باشد: در نگاه اول، تغییر در مرزهای اداری و استانی کرکوک می‌تواند عامل ثبات یا نزاع در سطح داخلی عراق شود؛ به گونه‌ای که در صورت توافق جناح‌های سیاسی داخلی بر چگونگی این تغییرات موجب ثبات و در صورت عدم توافق می‌تواند عامل ایجاد نزاع و حتی بروز جنگ داخلی باشد. اما در نگاه کلی تر و به فرض تغییر مرز اداری استان کرکوک در راستای آنچه کردها خواهان آن هستند، باید مداخله کشورهای هم‌جوار از جمله ترکیه را در مسائل داخلی عراق جدی گرفت. حتی گزینه مداخله نظامی ارتش ترکیه هم محتمل است.

## ۲. ابهام حقوقی آینده کرکوک

در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ و در جریان تدوین قانون اساسی جدید عراق، شرایط حقوقی خاصی برای کرکوک در نظر گرفته شد که به طور مستقیم با حاکمیت سیاسی در این استان ارتباط پیدا می‌کند. مسئله حقوقی کرکوک بعد از تصویب قانون اساسی جدید عراق در ۲۰۰۵ با ماده ۱۴۰ قانون اساسی مرتبط است. ماده ۱۴۰ برگرفته از ماده ۵۸ قانون اساسی موقت عراق است. این ماده قانونی در جریان تحولات سیاسی عراق پس از سقوط حکومت بعث، بنا به توافق بین نیروهای داخلی از جمله شیعیان و کردها، در قانون اساسی موقت به عنوان ماده ۵۸ و بعدها در قانون اساسی دائم به عنوان ماده ۱۴۰ گنجانده شد. ماده ۵۸ برای رفع تبعیض و ظلم‌های رژیم بعث، در قانون اساسی اداری موقت عراق در سه بند تدوین شده است. محتوای کلی ماده ۵۸ قانون اساسی اداری موقت عراق پرداخت غرامت و عادی کردن وضعیت دموگرافی مناطقی از عراق است که در زمان رژیم بعث مورد سیاست تعریب (عربی کردن) قرار گرفته‌اند. در این میان کرکوک مهم‌ترین ناحیه‌ای است که به صراحت مورد بحث قرار گرفته است (قانون



اساسی موقت عراق)؛ اما با تدوین قانون اساسی جدید، ماده ۱۴۰ جایگزین ماده ۵۸ شد. ماده ۱۴۰ دو دستورالعمل را شامل می‌شود. بند اول ماده معین می‌کند که قوه مجریه اقدامات لازم را برای اتمام اجرایی شدن ماده ۵۸ قانون اساسی موقت در تمام مفاد آن بر عهده دارد. در بند دوم این ماده قانونی پیش‌بینی شده است که اجرای مسئولیت مذکور در ماده ۵۸ قانون اداری دولت انتقالی طی سه مرحله عادی‌سازی، سرشماری و در نهایت انجام همه‌پرسی در کرکوک و مناطق دیگر مورد منازعه برای مشخص کردن خواست شهروندان این مناطق، به گونه‌ای که از مدت زمانی مشخص ۲۰۰۷ / ۱۲ / ۳۱ بیشتر به طول نینجامد، بر عهده قوه مجریه است (دستور جمهوریة العراق).

هرچند مدت زمان پایانی برای اجرایی شدن ماده ۱۴۰ پایان سال ۲۰۰۷ در نظر گرفته شده بود، اما با گذشت بیش از ۶ سال هم‌چنان بحث بر سر مراحل اولیه این ماده قانونی ادامه دارد. در این میان اعراب و ترکمانان به شدت با اجرایی شدن این ماده مخالفت می‌ورزند؛ زیرا «بسیاری از رهبران سیاسی عرب و ترکمن بر موضوع ماده ۱۴۰ تأکید ویژه دارند و ادعای می‌کنند که ماده ۵۸ قانون موقت عراق ناعادلانه تدوین شده است (European Parliament, 23 June 2008: 7). به طور کلی، میان جناح‌های سیاسی مختلف عراق در پارلمان فدرال و هم‌چنین مقامات سیاسی اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق بر سر نحوه اجرایی شدن و حتی قانونی بودن یا غیرقانونی بودن ماده ۱۴۰ بحث ادامه دارد و شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که امید به حل مسئله روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

### ۳. ترکیب جمعیتی کرکوک

یکی دیگر از عواملی که بر پیچیدگی موقعیت کرکوک افزوده، سکونت جمعیت‌های مختلف قومی و نژادی در کرکوک است. مهم‌ترین گروه‌های جمعیتی کرکوک به ترتیب بیشترین نسبت عبارت‌اند از: کرد، عرب، ترکمن، کلدانی و آشوری، مسیحی و یهودی. اما مسئله این است که هر کدام از این گروه‌های قومی ادعای تملک بر کرکوک را دارد و خود را صاحب خودخوانده کرکوک می‌داند. «ترکمن‌ها مدعی هستند ۶۸۰ سال قبل از میلاد از آسیا کوچ کرده و در کرکوک سکنی گزیده‌اند. در مقابل، کردها ادعای ترکمانان را رد و ادعا می‌کنند از زمان‌های بسیار دور در کرکوک حضور داشته‌اند و ترکمن‌ها در دوران امپراتوری عثمانی وارد کرکوک شده‌اند. علاوه بر کردها، اعراب هم ادعای اصیل بودن





دارند و حتی مدعی هستند که نطفه نژاد عرب ریشه در کرکوک دارد. همانند کردها، اعراب و ترکمن‌ها، ساکنان آشوری و کلدانی کرکوک هم ادعا می‌کنند کرکوک و موصل در دوران باستان قبل از ورود دیگران، در اصل حوزه‌هایی از کشور آشوری بوده‌اند. از دید آنها، ترکمن‌ها، کردها و اعراب همگی مداخله‌گر بوده و روستاهای آشوری را ویران کرده‌اند» (International Crisis Group, 2004: 9-10; O'leary, 2005). به طور کلی، حضور گروه‌های مختلف قومی و ادعای هر کدام از آنها برای تملک بر کرکوک موجب آشفتگی هر چه بیشتر در فهم عمق و دامنه مسئله کرکوک شده است.

### موضوعات اختلاف و نزاع در کرکوک

طی سال‌های پس از ۲۰۰۳ موضوعات متعددی سبب ایجاد اختلاف و نزاع در کرکوک شده است. حل یا ادامه این منازعات نقشی اساسی در آینده تحولات این استان و در سطح بالاتر کشور عراق خواهد داشت. از این رو در ادامه به بررسی ریشه‌ها و سیر تحول در موضوعات مورد منازعه در کرکوک می‌پردازیم.

#### ۱. سرزمین و مرز

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در سال‌های پس از ۲۰۰۳ به طور جدی عامل منازعه بر سر کرکوک بوده مسئله موسوم به «مناطق مورد منازعه»<sup>۱</sup> (مناطق متنازع الیه) است. «مناطق مورد منازعه نواحی هستند که در سال‌های حاکمیت رژیم بعث مورد تغییر جمعیتی (دموگرافی) واقع یا از کرکوک تجزیه شده‌اند» (International Crisis Group, 28 October 2008: 6). این مناطق بخش‌های مختلف از استان‌های عراق از جمله کرکوک، موصل و دیاله را شامل می‌شود. «از نظر مقامات اقلیم کردستان، ۲۶ ناحیه یا منطقه مورد منازعه در عراق وجود دارد» (International Crisis Group, 28 October 2008: 7). پس از ۲۰۰۳ به ویژه با نزدیک شدن به پایان زمان اجرایی ماده ۱۴۰ قانون اساسی، عمق و دامنه منازعه بر سر این مناطق چنان گسترده شد که نماینده سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۷ برای حل اختلافات حکومت اقلیم کردستان و حکومت مرکزی بغداد در موضوع مناطق مورد منازعه، با عنوان یونامی (UNAMI) وارد کرکوک شدند و هم‌چنان مشغول مذاکره با طرفین منازعه هستند. در این میان کردها در مقایسه با سایر اقوام حاضر در کرکوک استدلال‌های قوی‌تری

برای حق تملک خود بر کرکوک ارائه می‌کنند و سیاست‌های رژیم بعث را عامل اصلی کاهش جمعیت کردها در کرکوک می‌دانند و بر اجرایی شدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق تأکید می‌کنند. کردها مدعی‌اند که «از مجموع هفت بخش تابع استان کرکوک، چهار بخش آن جدا و به استان‌های مجاور ملحق شدند، تا بدین ترتیب کردها تا حد یک اقلیت قومی تنزل یابند» (مولوی، مرداد ۱۳۸۷: ۲۱). کردها به طور مداوم بر کردستانی بودن کرکوک تأکید می‌کنند و این شهر را بخشی جدایی‌ناپذیر از کردستان عراق می‌دانند. جلال طالبانی، رئیس‌جمهور عراق، دیدگاه خود را درباره کرکوک این‌گونه بیان می‌کند: «شهر کرکوک شهر باستانی و تاریخی کردستان است و جزو کردستان بوده است و تا زمانی که کردها روی زمین باقی بمانند، این شهر کردی خواهد ماند» (قانع‌ی فرد، ۱۳۸۸: ۵۸۷).

در مقابل کردها، ترکمن‌ها و اعراب از الحاق کرکوک به کردستان عراق واژه دارند و آن را عاملی برای اعلام دولت مستقل کردی می‌دانند. ماهر نقیب، یکی از کاغزاران سرشناس ترکمن‌ها و رئیس دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه کرکوک، معتقد است: «تا وقتی کرکوک بخشی از کردستان نشود، گروه‌های سیاسی کرد اقدام به اعلام دولت مستقل نخواهند کرد. آنها قصد دارند در پایان کار، کرکوک را پایتخت کردستان کنند» (فرنگی، ۸۴/۹/۱۵). به طور کلی با گذشت سال‌ها از تشکیل نظام سیاسی جدید در عراق، هم‌چنان مسئله کنترل بر کرکوک به عنوان مسئله‌ای مورد نزاع میان جناح‌های سیاسی عراقی مطرح است. طی این سال‌ها «رهبران سیاسی کرد دیدگاه جدیدی ارائه نداده‌اند و هم‌چنان بر الحاق کرکوک به اقلیم کردستان پافشاری می‌کنند. در مقابل سران سیاسی عرب در این موضوع که باید کرکوک تحت کنترل حکومت مرکزی باقی بماند به طور جدی مصمم هستند. هم‌چنین ترکمن‌ها به عنوان اقلیتی قومی در سراسر عراق، اما گروهی بزرگ در مناطق مورد منازعه، درصدد ایجاد زمینه مناسب سیاسی برای خود هستند و تبدیل کرکوک به ایالت مستقل را به گونه‌ای که تحت کنترل اربیل یا بغداد نباشد، ضروری قلمداد می‌کنند» (International Crisis Group, 28 March 2011: 6).

## ۲. کنترل بر منابع اقتصادی کرکوک

دومین و شاید مهم‌ترین عاملی که سبب اختلاف و نزاع جناح‌های سیاسی عراقی درباره کرکوک شده است به طور جدی به ذخایر نفتی عظیم موجود در کرکوک ارتباط



دارد. در مورد مقدار و نوع نفت کرکوک سؤال‌های زیادی وجود دارد؛ اما بر اساس آمارهای واقع‌بینانه، در منطقه کرکوک حدود ۱۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی وجود دارد که تقریباً ۱۰ درصد کل ذخایر نفتی عراق را شامل می‌شود (International Crisis Group, 26 January 2005: 1). اگر این آمار را ملاک قرار دهیم، کرکوک بیش از ۱۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت اثبات‌شده دارد<sup>۱</sup> (Alkadiri, 2010: 123). هم‌چنین با توجه به اینکه بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عراق در کرکوک قرار دارد، این شهر از منظر ژئواکونومیکی دارای اهمیت زیادی است و همین امر سبب شده که کرکوک جدای از داخل عراق، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی هم مورد توجه قرار گیرد؛ هرچند از ابتدای آزادسازی عراق از ۲۰۰۳ تا به امروز به دلیل منازعات سیاسی، تولید نفت کرکوک بیش از ۷۰۰ تا ۷۵۰ هزار بشکه در روز نبوده است (مجمعه‌د، ۲۰۱۱: ۲۴). به طور کلی، عامل اصلی اختلاف بر سر مناطق مورد منازعه که کردها این مناطق را بخشی جدانشدنی از کردستان می‌دانند این است که این مناطق تقریباً ۱۳ درصد از ذخایر نفتی عراق را در خود جای داده است و کرکوک به تنهایی ۱۰ درصد از ذخایر را شامل می‌شود» (International Crisis Group, 28 October 2008: i). به عبارت دیگر، آتش منازعات بر سر مناطق مورد منازعه بر محور نفت موجود در این مناطق و به ویژه کرکوک است. قادر عزیزی (۲۰۰۸)، نماینده ارشد مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، برای ماده ۱۴۰ بیان می‌کند: «اگر در کرکوک نفت وجود نداشت، هیچ‌کس بر سر آن جنگ نمی‌کرد. نبرد بر سر کرکوک از زمانی شروع شد که شرکت شل پادشاهی هلند در اوایل دهه ۱۹۲۰ در این منطقه نفت را کشف کرد؛ هر چند این موضوع هم‌زمان با قیام ملی‌گرایانه کردها از درون بقایای به‌جامانده از امپراتوری عثمانی بود» (International Crisis Group, 28 October 2008: 19).

### ۳. کنترل ساختارهای امنیتی و اداری کرکوک

یکی دیگر از موضوعاتی که موجب ایجاد منازعه در کرکوک شده و اختلافات زیادی را بین جناح‌های سیاسی کرکوک به وجود آورده، بحث بر سر نحوه اداره ساختارهای سیاسی و اداری کرکوک از نظر کمیت و کیفیت است. بعد از ۲۰۰۳ کردها پس از سال‌ها دوباره وارد کرکوک شدند و طی چند سال گذشته تا حدود زیادی در کنترل امور اداری و امنیتی کرکوک موفق عمل کرده‌اند. اما مدیریت شهر کرکوک از سوی

۱. بنابر آمار سال ۲۰۰۸، عراق ۱۱۵ میلیارد بشکه ذخایر نفتی اثبات‌شده دارد. (International Crisis Group, 28 October 2008: 14)

کردها بعد از ۲۰۰۳ همواره با اعتراض ترکمن‌ها، اعراب و حتی ترکیه مواجه شده است. می‌توان گفت مسئله کنترل ساختار امنیتی و اداری کرکوک به منازعه‌ای دامنه‌دار تبدیل شده است که در بخش‌های بعدی نوشتار به طور دقیق بررسی می‌کنیم.

#### ۴. بازگشت مهاجران به کرکوک پس از ۲۰۰۳ و مسئله ساختار شهری

چهارمین مسئله‌ای که اختلافات زیادی میان جناح‌های سیاسی ذی‌نفع به وجود آورده بازگشت ساکنان اصلی کرکوک به مأمّن خویش است که در نتیجه سیاست‌های رژیم بعث با عنوان «تعریب» (عربی کردن) مجبور به ترک شهر کرکوک شده بودند. در ریشه‌یابی این موضوع مناقشه‌زا ضروری است تفسیری درباره موضوع تعریب ارائه کنیم. سه‌رک‌هوت عبدالله حسین<sup>۱</sup> سیاست تعریب را در تاریخ عراق این‌گونه شرح می‌دهد: «سیاست تعریب در کرکوک از دوران سلطنت ملک غازی بر عراق در سال ۱۹۳۷ با اسکان ده‌ها هزار نفر در مناطق اطراف شهر کرکوک با عنوان «جماعت توسعه تولید زمین‌های کشاورزی» آغاز شده است... در سال‌های بعد، با روی کار آمدن رژیم بعث، سیاست تعریب شدت گرفت. حکومت بعث به بهانه‌های مختلف مانند مسائل امنیتی و مشخص کردن مرزهای اداری استان‌های عراق هزاران خانوار کرد، ترکمن، آشوری و یهودی را مجبور به کوچ و تبعید از کرکوک به مناطق جنوبی عراق و مناطق کردنشین کرد. رژیم بعث با تغییر نام مدارس، اماکن و محلاتی که اسامی کردی داشتند و با درست کردن ده‌ها سکونت‌گاه برای اعراب، تغییر زبان رسمی شهر به عربی و ممنوع اعلام کردن کاربرد زبان کردی در ادارات رسمی و حکومتی و همچنین تغییر نام ملت‌های کرد و ترکمن با عنوان اصلاح قومی (تصحیح القومی) سعی در تغییر ساختار دموگرافی عراق به ویژه کرکوک داشته است... سیاست تعریب در چهار مرحله از سوی رژیم بعث صورت گرفت: مرحله اول ۱۹۷۰ - ۱۹۶۸؛ مرحله دوم ۱۹۷۴ - ۱۹۷۰؛ مرحله سوم ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ و مرحله چهارم ۱۹۷۷ - ۱۹۸۵. در چهارمین مرحله شدیدترین و خشن‌ترین نوع اعمال سیاست تعریب را شاهد بوده‌ایم که طی آن در مناطق کردنشین در وقایعی که به «انفال» مشهور شده است ۱۸۰۰۰۰ کرد قتل‌عام شدند و بخش‌های مهمی از کرکوک مانند گهرمیان، چه‌مچه‌مال<sup>۲</sup>، قادر که‌ره‌م<sup>۳</sup> و سه‌گاو مورد سیاست تعریب قرار گرفتند» (حوسین، ۲۰۱۱: ۲۹ - ۲۷).

1. Sarkawt Abdulla Hosain

2. Chamchamal

3. Ghadrkaram



به طور کلی، حکومت عراق همواره سیاست عربی کردن را برای سرکوب کردها اعمال کرده است. برای مثال ضمن مصادره اموال و دارایی کردها، آنها را به سایر مناطق عراق تبعید کرد و سپس اعرابی را که احتمال مقاومت‌شان در مقابل سیاست‌های رژیم کمتر بود، جایگزین آنها کرد. در سال ۱۹۹۷ در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام شد که بیش از پانصد هزار کرد عراقی در کشور و سه استان کردنشین شمالی جابه‌جا شده‌اند (غبر، ۱۳۸۱: ۱۴۰). با تأمل در تغییرات ایجادشده در نسبت جمعیتی کرکوک طی سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۷ روند سیاست تعریب را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۱ - نتایج اجرای سیاست تعریب در کرکوک طی سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۷ (شورش، ۲۰۰۳: ۲۰)

نژاد	۱۹۲۵	۱۹۵۷	۱۹۷۷
کرد	٪۶۱	٪۴۸	٪۳۷
ترکمن	٪۲۹	٪۲۱	٪۱۶
عرب	٪۸	٪۲۸	٪۴۴

در مجموع سیاست تعریب که در زمان حاکمیت رژیم بعث علیه کردها و سایر اقلیت‌های عراقی اعمال شد، دستاورد چندانی نداشته است؛ اما آنچه در سال‌های اخیر موجب منازعه در کرکوک شده، مسئله بازگشت ساکنان اصلی کرکوک به این شهر است که در نتیجه سیاست‌های رژیم سابق مجبور به ترک این شهر شده بودند. «طی سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ خانواده‌های کرد و ترکمنی که در گذشته در جریان سیاست تعریب از کرکوک تبعید شده بودند، از اوضاع به‌وجودآمده پس از سقوط صدام استفاده کردند و به زادگاه خود برگشتند؛ هرچند مجبور بودند چند ماه در چادر و خیمه‌هایی که از نظر بهداشتی بسیار کثیف بودند زندگی کنند... بازگشت وسیع کردها و ترکمن‌ها به کرکوک، تغییر دموگرافی شهر کرکوک را در پی داشت. بر اساس گزارش گروه بین‌المللی مهاجرت (IOM)، در سپتامبر ۲۰۰۴ حدود ۱۲ هزار و ۱۳۵ خانواده کرد و ۹۳۵ خانواده ترکمن به کرکوک و نواحی اطراف آن بازگشته‌اند (International Crisis Group, 26 January 2005).

با بازگشت مهاجران به کرکوک مسئله‌ای که موجب اختلاف میان گروه‌های

مختلف قومی در کرکوک شده این است که ساکنان غیرکرد کرکوک - اعراب و ترکمن‌ها- «دو حزب دموکرات کردستان عراق (PDK) و اتحادیه میهنی کردستان (PUK) را به ترغیب کردهای تبعیدی از استان‌های کردنشین و حتی از ایران و ترکیه برای بازگشت به کرکوک متهم می‌کنند، هرچند اهل کرکوک نباشند. هدف این است که قبل از انتخابات و رفراندوم پیش‌بینی‌شده<sup>۱</sup> برای نحوه اداره منطقه، شمار کردها در کرکوک زیاد شود» (International Crisis Group, 26 January 2005: 2). یکی دیگر از ابعاد مسئله، جایگزین و ساکن شدن مجدد ترکمن‌ها و کردها در مسکن اولیه خودشان بود که به دست اعراب مصادره یا حتی تخریب شده بودند. در این میان «خود اعرابی که چه به صورت مشروع یا غیرمشروع در کرکوک صاحب املاکی شده‌اند که متعلق به کردها یا ترکمن‌ها بوده است، بر این نکته تأکید می‌کردند که بهانه‌ای قوی برای ماندن در کرکوک ندارند و حاضرند کرکوک را ترک کنند» (International Crisis Group, 26 January 2005: 4). به طور کلی، اعراب و ترکمنان کردها را به تکرید (کردی کردن) شهر کرکوک بعد از ۲۰۰۳ متهم می‌کنند و به طور مداوم به نفوذ کردها در کرکوک اعتراض دارند؛ هر چند با توجه به رویدادهای سال‌های پس از ۲۰۰۳ می‌توان مدعیات ترکمن‌ها و اعراب را تا حدود زیادی مغرضانه ارزیابی کرد.

##### ۵. تداخل نیروهای امنیتی

مهم‌ترین مسئله‌ای که در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ نقشی فعال در ادامه تنش‌ها و اختلافات در کرکوک دارد امنیت سیاسی- اجتماعی استان است. تلاش هم‌زمان و مداوم حکومت اقلیم کردستان و حکومت مرکزی بغداد برای کنترل و حفظ امنیت کرکوک، جدی‌ترین مسئله‌ای است که طی سال‌های اخیر در تداوم بحران کرکوک تأثیر زیادی داشته است. در واقع «بعد از سقوط رژیم بعث در ۲۰۰۳، دو حزب عمده کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان و دموکرات کردستان عراق، اداره شهر و سازمان‌های امنیتی کرکوک را در دست گرفته‌اند که این مسئله سبب نارضایتی ترکمن‌ها و [اعراب] و مخالفت‌شان با کردها شده است» (International Crisis Group, 26 January 2005: 2). اما در اواخر سال ۲۰۱۲ به نظر می‌رسد حکومت

۱. به بند سوم ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق اشاره دارد. بر اساس این بند، پس از بازگشت مرزهای اداری استان‌های عراق به مرز اداری قبل ۱۹۶۸ و انجام سرشماری برای تعیین نسبت جمعیتی گروه‌های قومی مختلف کرکوک، در این مورد که ساکنان کرکوک می‌خواهند به اقلیم کردستان ملحق شوند یا با نواحی مرکزی عراق باقی بمانند، در کرکوک و سایر مناطق مورد منازعه همه‌پرسی انجام می‌گیرد. اما با اجرایی نشدن ماده ۱۴۰ در موعد مقرر یعنی پایان سال ۲۰۰۷، برگزاری انتخابات و همه‌پرسی به زمانی نامعلوم موکول شده است.



مرکزی عراق برای کاهش هژمونی کردها بر نهادهای امنیتی کرکوک برنامه‌ای خاص را با عنوان «فرماندهی اپوراسیون دجله» طراحی کرده، که در نوع خود تشدید بحران در کرکوک را در پی داشته است. برای فهم عمق و اهمیت منازعات امنیتی موجود در کرکوک لازم است ارگان‌های امنیتی و سیر تحول آنها طی چند سال اخیر مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی، مهم‌ترین نهادهای امنیتی فعال در کرکوک به قرار زیر هستند (Chapman, 2011: 2).

### الف) نیروی پلیس

این نیرو، تحت فرمان وزارت داخلی عراق، در قالب دو نیروی داخل شهری و پلیس شهر ناحیه‌ها سازمان یافته است. فرماندهی پلیس داخل شهری را حزب اتحادیه میهنی کردستان و فرماندهی پلیس برون‌شهری را حزب دموکرات کردستان عراق منصوب کرده است (فرمان، ۲۰۱۲/۹/۱۱). در این میان، سیاستمداران عرب و ترکمن، کردها را به هژمونی بر ساختار اداری پلیس و تلاش آنها برای انضمام کرکوک به اقلیم کردستان متهم می‌کنند. تعداد نیروهای پلیس حدود ۶۳۰۰ نفر است که از این تعداد حدود ۴۰ درصد کرد، ۳۰ درصد عرب و ۳۰ درصد ترکمن هستند (International Crisis Group, 28 March 2011: 20).

### ب) نیروی آسایش<sup>۱</sup>

نیروهای آسایش در کرکوک از اتحاد دو نیروی پاراستن<sup>۲</sup> و زانیاری<sup>۳</sup> تشکیل شده‌اند و بعد از ۲۰۰۳ تأمین امنیت در کرکوک را برعهده دارند. این نیروها در مقایسه با نیروی پلیس بیشتر مورد اعتماد ساکنان کرکوک هستند (فرمان، ۲۰۱۲/۹/۱۱)؛ اما از دید اعراب و ترکمانان، نیروهای آسایش در کرکوک نیروهای غیرقانونی هستند و سوءنیت مخفی برای انضمام مناطق مورد منازعه به اقلیم کردستان دارند (International Crisis Group, 28 March 2011: 22). در پاسخ به این انتقادات، مسئول آسایش کرکوک مدعیات اعراب و ترکمن‌ها را رد می‌کند و آنها را مورد نقد قرار می‌دهد که از اقدامات و زحمات آسایش تقدیر نمی‌کنند. هم‌چنین از آنها انتقاد می‌کند که در تأمین

۱. نیروهای مسئول حفظ امنیت در اقلیم کردستان

۲. Parastin: نیروهای وابسته به آسایش (حفظ امنیت) اقلیم کردستان عراق که وابسته به حزب دموکرات کردستان عراق (PDK) است.

۳. Zanyari: نیروهای وابسته به آسایش (حفظ امنیت) اقلیم کردستان عراق که وابسته به حزب اتحادیه میهنی کردستان (PUK) است.



امنیت شهر به نیروهای آسایش کمک نمی‌کنند؛ زیرا بیشتر حملات یاغیان مسلح (تروریست‌ها) در مناطق عرب‌نشین کرکوک است... علاوه بر این، کردها بر این باورند که بیشتر تروریست‌ها و متهمان - حدود ۹۰ درصد - از اعراب هستند (International Crisis Group, 28 March 2011).

### ج) گردان (فرقه) ۱۲ لشکر عراق

گردان ۱۲ ارتش عراق تحت کنترل بغداد است. در ابتدای ورود این گردان به کرکوک، نیروهای کرد در مقابل آنها ایستادگی کردند؛ اما در نتیجه میانجی‌گری آمریکا در سال ۲۰۰۹ برای پیشگیری از وقوع جنگ میان کردها و ارتش عراق، طی طرحی موسوم به «طرح امنیت مشترک»<sup>۱</sup> حضور این نیروها در مرزهای کرکوک رسمیت یافت و از سوی کردها به عنوان امری واقع پذیرفته شد (فهرمان، ۲۰۱۲/۹/۱۱؛ International Crisis Group, 28 March 2011: 15-16). در این میان، مهم‌ترین بحران بین نیروهای کرد و ارتش عراق در سال ۲۰۱۱ به وقوع پیوست. در اواخر فوریه ۲۰۱۱ حدود ۱۰ هزار سرباز کرد به بهانه تهدید اعراب برای ورود به کرکوک و کنترل این شهر راهی مناطق جنوب و غرب کرکوک شدند که این اقدام زمینه‌ساز بحرانی جدی در عراق شد (International Crisis Group, 28 March 2011: 15-16). به طور کلی، توافقات امنیتی میان اقلیم کردستان عراق و حکومت مرکزی در مرزهای کرکوک، به ویژه پس از خروج ارتش آمریکا از عراق، بسیار شکننده است و کوچک‌ترین جرقه می‌تواند آتش جنگ را بین نیروهای کرد و ارتش عراق ایجاد کند.

### د) فرماندهی اپوراسیون دجله

فرماندهی اپوراسیون دجله جدیدترین نیروی امنیتی برای کنترل امنیت در کرکوک است. این نیرو به دستور نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، برای ترمیم امنیت در استان‌های کرکوک و دیاله ایجاد شده است. در واقع ایجاد و فرستادن این نیروها به کرکوک منازعات زیادی را در پی داشته و سبب وخامت هر چه بیشتر اوضاع سیاسی کرکوک شده است (فهرمان، ۲۰۱۲/۹/۱۱). در راستای اجرایی کردن اپوراسیون دجله،

۱. Combined Security ۴. مکانیزم ایجادشده از سوی ارتش آمریکا در سال ۲۰۰۹ برای حفظ امنیت در کرکوک؛ بر اساس این طرح، کنترل مناطق شمال و شرق کرکوک بر عهده فرقه ۱۰ از نیروهای محافظ اقلیم کردستان است و کنترل دروازه‌های جنوب و غرب کرکوک را فرقه ۱۲ از نیروهای ارتش فدرال عراق بر عهده دارد. هم‌چنین در مرکز منطقه‌ای با عنوان «منطقه مواجهه» تعیین شده است که هیچ‌کدام از نیروهای نظامی کرد و ارتش عراق حق ورود به این نواحی را ندارند و باید در نواحی مرزی باقی بمانند.



ارتش عراق تجهیزات نظامی سنگین زیادی به مرزهای کرکوک انتقال داده است. در مقابل، جعفر مصطفی، وزیر پیشمرگ اقلیم کردستان، در سفر به کرکوک و دیدار با استاندار این شهر، در خصوص اقدامات فرماندهی اپوراسیون دجله و تحرکات ارتش عراق در مرزها تصریح کرد: «باید همگان بدانند در کرکوک نیروهای پیشمرگ (محافظ اقلیم کردستان) دارای قدرت و آماده محافظت از شهر کرکوک هستند. هر اقدامی که از سوی فرماندهی دجله و فرقه ۱۲ ارتش عراق برای ورود به داخل شهر کرکوک صورت گیرد، نیروهای نظامی کرد آماده پاسخگویی هستند» (Nrttv, 16/10/2012). به طور کلی ایجاد فرماندهی اپوراسیون دجله نه بر اساس توافق و در نظر گرفتن مصالح ساکنان کرکوک، بلکه به منظور ایجاد فشار بر اقلیم کردستان و کنترل کرکوک از سوی حکومت مرکزی است. اما واقعیت این است که ورود این نیروها به داخل شهر کرکوک ممکن است موجب شروع جنگ داخلی شود، لذا تا زمانی که توافقی میان کردها و حکومت مرکزی صورت نگیرد، نامحتمل به نظر می‌رسد.

#### ۶. انتخابات استانی برای تصدی مناصب محلی

از سال ۲۰۰۳ تا به امروز فقط یک دور از انتخابات انجمن سیاسی استان کرکوک در ژانویه ۲۰۰۵ برگزار شده است. بعد از ۲۰۰۵ به دلیل مخالفت و عدم توافق جناح‌های سیاسی تأثیرگذار در مسئله کرکوک، دیگر انتخاباتی در کرکوک صورت نگرفته است. در این میان، اعراب و ترکمن‌های کرکوک مخالف برگزاری انتخابات در کرکوک هستند. آنها از این واژه دارند که مانند انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ شکست بخورند. بنا به ادعای آنها، کردها بعد از ۲۰۰۳ ساختار دموگرافی کرکوک را به نفع خود تغییر داده‌اند ... اما کردها با رد ادعای ترکمانان و اعراب، در مورد برگزاری انتخابات یا به تعویق افتادن آن دغدغه‌ای ندارند؛ زیرا اگر انتخابات برگزار شود، اطمینان دارند اکثریت را کسب می‌کنند و پیروز می‌شوند و اگر انتخابات به تعویق بیفتد، انجمن سیاسی استان کرکوک که در حال حاضر کردها در آن اکثریت قاطع را دارند همچنان به کار خود ادامه می‌دهد (International Crisis Group, 28 October 2008: 3).

با نزدیک شدن به دور جدید انتخابات برای تعیین اعضای انجمن سیاسی استان‌های عراق، بار دیگر اوضاع به شدت آشفته شده است. در همین راستا، مارتین کوپلر، نماینده دبیرکل سازمان ملل در عراق، در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۲ برای مذاکره با جناح‌های

۱. کردها موفق به کسب ۶۳ درصد از کرسی‌های انجمن سیاسی استان کرکوک شدند و همچنان به دلیل برگزار نشدن انتخابات جدید این نسبت باقی مانده است.

سیاسی کرکوک به منظور به توافق رسیدن در مورد برگزاری انتخابات این استان در سال ۲۰۱۳ مانند سایر استان‌های عراق، وارد این شهر شد (Xendan: 16/10/2012). اما بعد از نشست و دیدار کوپلر با فرقه‌های سیاسی مختلف در کرکوک، عبدالله غرب، رئیس فرقه حوار از ائتلاف العراقیه در پارلمان عراق، برگزاری انتخابات انجمن سیاسی استان کرکوک را رد و دلیل اصلی عدم برگزاری آن را به توافق نرسیدن جناح‌های سیاسی بعد از دیدار با نماینده سازمان ملل اعلام کرد ( Kirkuknow: 20 October 2012).

#### ۷. تعویق در اجرایی شدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق

یکی از دامنه‌دارترین مسائل تنش‌زا میان جناح‌های سیاسی عراق بعد از ۲۰۰۳، مسئله مناطق مورد منازعه است. برای این مناطق در قانون اداری موقت عراق ماده ۵۸ و در قانون اساسی جدید عراق ماده ۱۴۰ تدوین شده؛ اما حکومت مرکزی هیچ‌گاه اراده‌ای برای اجرایی کردن ماده ۱۴۰ چه در موعد مقرر شده برای اجرایی شدن آن و چه سال‌های بعد از آن نداشته است. «کردها بعد از اجرایی نشدن ماده ۱۴۰ و در سال‌های قبل از آن بر این باور بودند که با حضور دولت آمریکا در نهادهای حکومتی عراق می‌توانند برای اجرایی شدن ماده ۱۴۰ فشار زیادی اعمال کنند... آنها قصد داشتند با عراقی بمانند که دیگر آنها را مورد ظلم و تعدی قرار ندهد. بنا به گفته فلاح مصطفی، مسئول روابط خارجی اقلیم کردستان، باید کردها را در مسئله مناطق مورد منازعه هم‌چون ملتی مظلوم و قربانی‌شده نگریست نه ستمکار و تعدی‌گر» (International Crisis Group, 28 October 2008: 2). بعد از آنکه در دسامبر ۲۰۰۷ فراندوم پیش‌بینی شده در ماده ۱۴۰ عملی نشد، میانجی‌گری فرستاده سازمان ملل متحد برای کمک به عراق (یونامی) وارد عرصه شد و با ریاست استغفان دیمستورا<sup>۱</sup> نماینده مخصوص دبیرکل سازمان ملل در عراق، و پنج مسئول بلندپایه از مقامات عراقی<sup>۲</sup>، طرفین به تعویق ۶ ماهه اجرایی شدن ماده ۱۴۰ که از سوی یونامی مطرح شده بود، رضایت دادند (International Crisis Group, 28 October 2008: 2).

اما نه بعد از ۶ ماه، بلکه تا به امروز اجرایی شدن ماده ۱۴۰ در همان مراحل اولیه خود باقی مانده است و هم‌چنان مواضع ضد و نقیضی در خصوص اجرا یا عدم اجرای

1. Staffan de Mistura

۲. پنج نفر مقام سیاسی عراقی عبارت بودند از: نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق؛ جلال طالبانی، رئیس‌جمهور عراق به همراه دو معاونش طارق الهاشمی و عادل عبدالمهدی، و نجیروان بارزانی، نخست‌وزیر وقت اقلیم کردستان.



آن از سوی جناح‌های سیاسی مختلف در عراق بیان می‌شود. در این میان کردها برای اجرایی نشدن ماده ۱۴۰ راهکارهای مختلفی دارند. در سطح ابتدایی می‌توانند با در اختیار داشتن حق وتو بر مواد قانونی و فرایند قانون‌گذاری بر حکومت مرکزی فشار وارد کنند؛ اما در سطحی عمیق‌تر می‌توانند هر نوع راه‌حل، تغییر و طرح قانونی و غیرقانونی را در مورد کرکوک رد کنند و راهکارهای سیاسی ارائه‌شده در مورد کرکوک را به حالت تعلیق درآورند؛ چنان که محمد احسان (۲۰۰۸) در ارتباط با مناطق مورد منازعه می‌گوید: «اگر راه‌ها روی من سد شده باشند، راه تو را هم خواهم بست. اگر برای کرکوک راه‌حلی ارائه نشود، در آن صورت انتخابات انجمن سیاسی استان کرکوک صورت نمی‌گیرد و اصلاحی در قانون اساسی انجام نمی‌شود<sup>۱</sup> و هم‌چنین هیچ چیز دیگر» (International Crisis Group, 28 October 2008: 3).

در اظهارات اخیر جناح‌های سیاسی عراقی در باب ماده ۱۴۰ می‌توان به مخالفت صریح اعراب و ترکمن‌ها و حمایت مجدد کردها از قانونی بودن این ماده اشاره کرد. در این مورد، عمر الجبوری، از نمایندگان سنی عضو ائتلاف العراقیه در پارلمان عراق، بیان می‌کند: «اجرایی شدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق به مناطق مورد منازعه در استان‌های کرکوک، دیاله و صلاح‌الدین اختصاص دارد و در صورت عجله در اجرایی کردن آن درهای دوزخ روی عراق باز می‌شود» (Nrttv: 18/ 1/ 2012). در مقابل در بیانیه‌ای رسمی ارسلان بایز، رئیس پارلمان کردستان عراق، از حکومت مرکزی عراق درخواست می‌کند در اجرایی کردن ماده ۱۴۰ عجله کند و برای خواسته خود دلایلی را ذکر می‌کند که اجرای عدالت، رسیدن حق به صاحبان اصلی، حفاظت از جان و مال شهروندان و همزیستی مسالمت‌آمیز میان فرقه‌های مختلف شهر کرکوک از جمله آنهاست (Nrttv: 8/ 9/ 2012). در همین راستا، ارشد صالحی، رئیس جبهه ترکمن‌های عراق، در مخالفت با اجرایی شدن مرحله اول ماده ۱۴۰، بازگشت مجدد مرز استان‌های عراق به سال‌های قبل از ۱۹۶۸ را سبب وخامت بیشتر اوضاع سیاسی عراق می‌داند و اجرایی شدن آن را خلاف قانون و عاملی برای تجزیه عراق معرفی می‌کند. در مقابل، عارف تیفور، از کردها و معاون دوم ریاست پارلمان عراق، تأکید می‌کند مشخص شدن مرز استان‌های عراق هیچ تهدیدی برای حفظ یکپارچگی این کشور ندارد (23/ 10/ 2012).

۱. اصلاح قانون اساسی عراق از سال ۲۰۰۶ تا به امروز به حالت تعویق در آمده است.

## بازیگران کلیدی در تعیین سرنوشت کرکوک

با توجه به ابعاد پیچیدگی و اهمیت خاص کرکوک، طیفی از بازیگران داخلی و خارجی خواهان ایفای نقش در کرکوک هستند و خود را در این شهر صاحب منافع می‌دانند. در این میان، مسئله مطرح از بعد جامعه‌شناسی سیاسی، میزان نفوذ و تأثیرگذاری هر کدام از این بازیگران است. از این رو در ادامه نوشتار در ابتدا عملکرد بازیگران داخلی مؤثر در فرایند سیاسی کرکوک و سپس نقش نیروهای خارجی بررسی می‌شود.

### ۱. بازیگران داخلی

#### الف) کردها

در اولین انتخابات شوراهای استان کرکوک پس از سرنگونی رژیم صدام حسین در ژانویه ۲۰۰۵، ائتلاف برادری کرکوک<sup>۱</sup> به نمایندگی از کردها<sup>۲</sup> موفق به کسب ۲۶ کرسی از مجموع ۴۱ کرسی انجمن سیاسی استان کرکوک شد. در نتیجه استاندار و رئیس انجمن استان کرکوک از میان کردها انتخاب شدند. به عبارتی کردها با داشتن اکثریت جمعیتی در کرکوک از طریق رقابت دموکراتیک کنترل ساختارهای اداری-سیاسی کرکوک را در دست گرفتند و هم‌چنین ریاست ۶ کمیته از مجموع ۱۳ کمیته انجمن سیاسی استان کرکوک در اختیار اعضای ائتلاف برادری کرکوک است (مجلس محافظه کرکوک). جدای از تسلط بر ساختارهای سیاسی و اداری کرکوک، کردها بعد از ۲۰۰۳ با استفاده از تحولات پیش‌آمده و با ورود به کرکوک کنترل ساختارهای امنیتی این شهر را در دست گرفتند؛ به گونه‌ای که وجود نیروهای آسایش در کرکوک اعمال قدرت کردها را در این شهر تضمین کرده است. علاوه بر این، «وجود سازمان اطلاعات وابسته به کردها، که مخفیانه برای نیروهای پاراستن و زانیاری کار می‌کند، عاملی اساسی در کنترل هر چه بیشتر کردها بر کرکوک بوده است (International Crisis Group, 28 March 2011: 6).

به نظر می‌رسد کردها در مناطق مورد منازعه حاضرند خیلی از مناطق را از دست دهند به شرط اینکه تنها کرکوک را به دست آورند. در همین راستا کوسرت رسول علی (۲۰۰۸)، معاون رئیس اقلیم کردستان، در پی گزارش «یونامی» که در آن آمده

۱. کرکوک المتأخیه

۲. در لیست تحت نفوذ کردها دو عضو عرب، دو عضو ترکمن و دو عضو آشوری وجود دارد. این شش عضو غیرکرد در لیست برادری کرکوک طرفدار الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق هستند و از سیاست‌های مقامات اقلیم کردستان عراق حمایت می‌کنند.



بود کردها در همدانیه<sup>۱</sup> و مندلی<sup>۲</sup> اکثریت را تشکیل می‌دهند، بیان می‌کند: «آنها [ اعراب و ترکمن‌ها] همدانیه و مندلی را ببرند. کرکوک مسئله ماست» (International Crisis Group, 28 October 2008: 26). در مجموع می‌توان گفت تلاش کردها فقط برای این نیست که به صورت دوافکتو یا قانونی بر کرکوک مسلط شوند، بلکه کردها می‌خواهند در اکثر مراکز استان دارای قدرت باشند. آنها قصد دارند داخل مرزهای اقلیم کردستان عراق، با پیشبرد دموکراتیزاسیون در بعد سیاسی و رشد بنیان‌های شهری و جذب شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در شهرهای مختلف اقلیم کردستان در بعد اقتصادی، در مرحله اول، اقلیم کردستان را به عنوان نمونه موفق حکمرانی در داخل معرفی کنند که می‌تواند در جذب مناطق اطراف از جمله کرکوک به اقلیم کردستان مؤثر واقع شود. اما در سطحی بالاتر، مقامات اقلیم کردستان تلاش می‌کنند با گسترش روابط دیپلماتیک و شناساندن مسئله کرد و اقلیم کردستان در سطح بین‌المللی، حمایت حکومت و افکار عمومی جهانی را به سوی خود جلب کنند و از این طریق خواسته‌شان را مبنی بر الحاق کرکوک مشروع جلوه دهند.

## ب) اعراب

اعراب کرکوک به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: یکی، اعراب اصیل کرکوک که در مناطق الحدیدی<sup>۳</sup>، عبیدی<sup>۴</sup> و الجبوردان<sup>۵</sup> سکونت دارند و دیگری، اعراب مهاجر که رژیم بعث آنها را در قالب برنامه تعریب در کرکوک اسکان داده است. گروه اول اعراب سنی و گروه دوم عرب‌های شیعه هستند (International Crisis Group, 26 January 2005: 5). عرب‌های عراق در ابتدای تشکیل نظام سیاسی جدید در عراق موضع دوگانه‌ای نسبت به حکمرانی داشتند. اعراب شیعه در ابتدای فرایند آزادسازی عراق در ۲۰۰۳ همانند کردها در پی ایجاد ایالت مستقل برای خود بودند؛ چنان که پل برمر، حاکم آمریکایی عراق در دوران حکومت انتقالی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵، از جلال طالبانی، رئیس‌جمهور عراق، نقل می‌کند: «کردها با شیعیان در مورد اسلام و دو زبان رسمی عراق، کردی و عربی، به توافق می‌رسند... و بنا به همین توافقات شیعیان هم

1. Hamdaniya
2. Mandali
3. Hadidi
4. Obeid
5. Jbour

تلاش می‌کردند همانند کردها اجازه پیدا کنند تا چند ایالت فدرال تشکیل دهند» (بریمه ر، ۲۰۱۰: ۴۰۳). به عبارتی، در سال‌های ابتدایی بعد از فروپاشی حکومت صدام «شیعیان عراق به حکم موقعیت برتر ژئوپلیتیکی ناشی از امکان دسترسی به آب‌های آزاد، جمعیت بالا و یکدست ساکن استان‌های جنوبی و برخورداری از منابع سرشار نفت، وابستگی چندانی به ساحت عراق یکپارچه [نداشتند] و حاضر به پرداخت هزینه در کرکوک [نبودند] (حق‌پناه، تابستان ۱۳۸۷: ۷۵). اما برخلاف شیعیان، اعراب سنی به عنوان یک اقلیت که از آغاز تأسیس دولت ملی عراق در ۱۹۲۱ تا ۲۰۰۳ حکمرانی عراق را در اختیار داشته‌اند، از همان ابتدای تشکیل دولت ملی جدید، با طرح نظام فدرالی در عراق مخالف بوده و به ناچار نظام سیاسی جدید را پذیرفته‌اند. آنها به علت نارضایتی از وضع موجود، اولین انتخابات پارلمانی عراق را تحریم کردند و در اولین حکومت رسمی بعد از سقوط رژیم بعث مشارکت نکردند. اعراب سنی همانند دیدگاه خود نسبت به کل فرایند سیاسی در عراق بعد از ۲۰۰۳، در باب مسئله کرکوک هم‌چنان خواهان کنترل این شهر از سوی حکومت مرکزی هستند و با سیطره کردها بر کرکوک مخالفت کرده‌اند.

با وجود اختلاف موضع اعراب سنی و شیعه درباره مسئله کرکوک در سال‌های ابتدایی پس از ۲۰۰۳، بعد از برگزاری انتخابات انجمن سیاسی استان کرکوک در ژانویه ۲۰۰۵ که در آن اعراب از مجموع ۴۱ کرسی انجمن سیاسی استان کرکوک تنها موفق به کسب ۶ کرسی شدند، شاهد نزدیک شدن موضع شیعیان و سنی‌ها در قبال مسئله کرکوک هستیم. اما به دلیل احاطه کردها بر اکثریت کرسی‌های انجمن سیاسی استان و هم‌چنین سازش ترکمن‌ها با کردها در سال ۲۰۰۹ عملاً اعراب حتی با داشتن حمایت‌های حکومت مرکزی در تصمیم‌گیری‌های کرکوک نقش مهمی ایفا نکرده‌اند. مهم‌تر از همه اینکه اعراب کرکوک پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا در ۲۰۱۱ و متعاقب آن گسترش تنش‌ها میان سنی‌ها و شیعیان عراق، دیگر آن هماهنگی و وحدت قبلی را ندارند. به طور کلی «وضعیت اعراب در سال ۲۰۱۲ به گونه‌ای است که در خوش‌بینانه‌ترین حالت به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه طرفدار شیعیان که از اقدامات و تصمیم‌های نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، حمایت می‌کنند و گروه سنی‌ها که طرفدار ائتلاف العراقیه هستند. در این بین با توجه به شکاف درونی میان اعراب کرکوک، فرصت مناسبی برای کردها ایجاد شده است که با دسته‌ای که اکثریت را دارند ائتلاف کنند (داود، ۲۰۱۲/۲/۱۲). با وجود این نباید احاطه و کنترل اعراب بر





نهادهای حکومت مرکزی به ویژه ارتش را نادیده گرفت. در صورت وقوع هر رویدادی در کرکوک، مداخله ارتش عراق در دفاع از اعراب محتمل است.

### ج) ترکمن‌ها

ترکمن‌ها شمار جمعیت خود را در عراق حدود ۲ میلیون نفر برآورد می‌کنند که حدود ۸ درصد جمعیت کشور است؛ اما به نظر می‌رسد این آمار دقیق نیست International Crisis Group, 26 January 2005: 9). بر اساس آمارهای که ترکمن‌ها خود ارائه کرده‌اند، ۴۰ درصد از آنان شیعه هستند و در کرکوک، در قالب ائتلاف اسلامی ترکمن<sup>۱</sup> سازمان یافته‌اند و به طور مستقیم خود را مطیع آیت‌الله سیستانی می‌دانند؛ اما ترکمن‌های سنی‌مذهب تحت حمایت ترکیه در قالب جبهه ترکمن‌های عراق تشکیل یافته‌اند (International Crisis Group, 26 January 2005: 5).

ترکمن‌های کرکوک از مجموع ۴۱ کرسی انجمن سیاسی استان ۹ کرسی را در اختیار دارند. از این تعداد ۷ کرسی متعلق به جبهه ترکمن‌های عراق است که به نمایندگی از ترکمن‌های سنی زیر نفوذ ترکیه هستند و ۲ کرسی دیگر در اختیار ترکمن‌های شیعه است که با عنوان ائتلاف اسلامی وابسته به مجلس اعلای اسلامی هستند (مجلس محافظه کرکوک). در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ عملاً ترکمن‌ها نفوذ چندانی در ساختار سیاسی و اداری استان نداشتند، اما در سال ۲۰۰۹ بر اساس توافق با کردها، ریاست انجمن سیاسی استان کرکوک به حسن توران بهاء‌الدین از جبهه ترکمن‌های عراق سپرده شده است. می‌توان گفت نمود نفوذ ترکمن‌ها در کرکوک بیشتر به نوع تعامل و توافقات دولت ترکیه با حکومت اقلیم کردستان عراق و حکومت مرکزی عراق وابسته است. ترکمن‌های عراق نه نیروی نظامی رسمی و مستقل دارند و نه منبع اقتصادی مستقل. با توجه به اینکه از نظر شمار جمعیتی هم اقلیتی کوچک در عراق هستند، بدون حمایت ترکیه نمی‌توانند بازیگری تأثیرگذار در معادلات سیاسی عراق از جمله کرکوک باشند.



## ۲. بازیگران خارجی

مهم‌ترین بازیگران مؤثر خارجی در کرکوک عبارت‌اند از:

### الف) ترکیه

ترکیه به عنوان مهم‌ترین بازیگر خارجی در معمای کرکوک در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ رویکرد و سیاست خاصی اتخاذ کرده است. این کشور، کرکوک را مسئله‌ای حیاتی و تأثیرگذار در معادلات آتی منطقه می‌داند و براساس این تفکر حاضر است هر اقدامی را برای ممانعت از کنترل کردها بر کرکوک انجام دهد. به عبارتی کرکوک خط قرمز سیاست ترکیه در عراق است و این کشور از هیچ تلاشی برای جلوگیری از برگزاری انتخابات و همه‌پرسی پیش‌بینی شده در ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق فروگذار نمی‌کند. دولت‌مداران ترک به دلیل حضور حدود ۲۰ میلیون کرد داخل مرزهای خود، از پیوستن کرکوک به اقلیم کردستان بدین علت که ممکن است پایه دولت مستقل کردی شود، واهمه دارند؛ به گونه‌ای که رجب طیب اردوغان (۲۰۰۶) گفته است: «در صورتی که کرکوک تحت سیطره کردهای عراق در آید، دست‌بسته به نظاره نخواهیم نشست. برپایی دولت کردی در شمال عراق و الحاق کرکوک به آن تحریکی است برای کردهای ترکیه که آنان را برای جدا شدن تشویق کند» (میهن، ۱۳۸۷/۵/۱۹). ترک‌ها همچنین چشم‌داشت تاریخی به کرکوک دارند. از دیدگاه آنان، کرکوک و موصل بخشی از سرزمین ترکیه بوده‌اند، اما قدرت‌های پیروز در جنگ جهانی اول طی عهدنامه «سور»<sup>۱</sup> عمده‌اً این شهرها را به کشور تازه‌تأسیس عراق منضم کردند. رهبران دولت ترکیه طی سال‌های متمادی ادعاهای سرزمینی خود را نسبت به مناطق نفت‌خیز شمال عراق اظهار کرده‌اند.

با وجود رویکرد خاص دولت ترکیه نسبت به کرکوک، اولین واکنش این کشور در برابر مسائل پس از سقوط رژیم بعث در ۲۰۰۳ «حمایت از جبهه ترکمن‌های عراق و حامیانش در جلوگیری از جابه‌جایی داخلی کردهایی بود که در دوران حاکمیت رژیم قبلی مالکیت‌های تحت پوشش خود را از دست داده بودند» (Ahmed, 2004: 32-). در کنار این اقدام، بارزترین نماد حضور ترکیه در شمال عراق، استقرار ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سرباز از نیروهای ویژه در شمال عراق است... این نیروها به بهانه پیشگیری از



کوچ دوباره کردها به ترکیه همانند سال ۱۹۹۱، در مارس ۲۰۰۳ نزدیک مرزهای دو کشور مستقر شدند... حضور این نیروها در شمال عراق احساسات کردها را برانگیخت؛ اما متعاقب حضور این نیروها در ژوئیه ۲۰۰۳ در رویدادی که سرافکندگی بزرگی را برای ترکیه به همراه داشت، پلیس‌های کرد سلیمانیه تعدادی افراد مسلح را دستگیر کردند که گمان می‌رفت خود را برای ترور استاندار کرکوک آماده می‌کنند. بعدها وقتی مشخص شد این افراد از کماندوهای ارتش ترکیه بوده‌اند، دولت ترکیه سیاست خود را تا حدودی در شمال عراق تغییر داد و قدرت ارتش را محدود کرد؛ اما نیروهای نظامی مستقر در شمال عراق همچنان در جای خود باقی ماندند (International Crisis Group, 26 January 2005: 11).

مقامات ترکیه اعلام می‌کنند در صورتی که کردها برای تصرف کرکوک اقدام کنند، حاضرند هر اقدامی را برای حفاظت از شهروندان ترکمن انجام دهند و همچنین آمادگی دارند «تمام عواقب اقدام خود را برعهده بگیرند؛ چنان‌که در قیاس بر عهده گرفتند» (International Crisis Group, 26 January 2005: 12). هرچند مقامات ترک بارها از احتمال استفاده از گزینه نظامی برای حمله به شمال عراق به بهانه وجود نیروهای حزب کارگران کردستان (PKK) و دفاع از ترکمن‌ها سخن به میان آورده‌اند، اما می‌توان گفت «عملکرد دولت ترکیه در برابر احتمالات سیاسی آتی عراق، به ویژه تهدید به لشکرکشی بسیار نامحتمل است؛ با این حال می‌تواند برای نمونه مرز خابور را ببندد و اقتصاد کردستان را خفه کند. این اقدام بسیار مؤثر خواهد بود در صورتی که ایران هم چنین کاری انجام دهد. همچنین ترکیه می‌تواند خط لوله نفت شمال عراق را که به دریای سیاه متصل می‌شود، قطع کند» (International Crisis Group, 26 January 2005: 9). علاوه بر این ترکیه طی سال‌های اخیر از کارت ترکمن‌ها برای اعمال نفوذ خود در عراق، به ویژه در کرکوک به خوبی بهره‌برداری کرده است. «هرچند ترکمن‌ها از نظر نژادی متفاوت از ترک‌ها هستند، اما به شدت احساساتی ملی‌گرایانه در حمایت از ترکیه بروز می‌دهند... به عقیده بسیاری از تحلیلگران، ترکیه از کارت ترکمن‌ها برای حفظ وضع موجود در شمال عراق بهره می‌گیرد... زیرا دولت ترکیه در تمام دوران ریاست صدام بر عراق و متعاقب آن اعمال سیاست تعریب و ظلم حکومت مرکزی به ترکمن‌ها ساکت بود و هیچ اقدامی انجام نداد؛ اما اکنون با آگاهی

از اینکه مسئله ترکمن‌های کرکوک میان عامه مردم ترکیه از جایگاه خاصی برخوردار است، اقدامات خاصی در حمایت از آنان انجام داده و موضع‌گیری‌های ویژه‌ای کرده است» (International Crisis Group, 26 January 2005: 10).

به طور کلی، ترکیه با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارد، تلاش می‌کند در آینده تحولات کرکوک نقشی اساسی ایفا کند. در این میان، مهم‌ترین ابزار دولت ترکیه عبارت است از:

۱. استفاده از تبلیغات وسیع برای مشروعیت بخشیدن به حمله نظامی به شمال عراق با بزرگ‌نمایی تهدید کردها علیه ترکمن‌ها؛
۲. حمایت مالی و سیاسی از ترکمن‌های عراق؛
۳. بهره‌گیری از مسئله وابستگی اقتصادی اقلیم کردستان عراق به مرزهای ترکیه و متعاقب آن تهدید به بستن مرزها؛
۴. بازی با کارت حمله نظامی به شمال عراق در صورت ضرورت، که همواره موجب هراس کردها بوده و عاملی بازدارنده در عدم پافشاری کردها بر خواسته‌هایشان بوده است.

#### ب) آمریکا

در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ آمریکا مهم‌ترین نیرویی بود که می‌توانست مسئله کرکوک را به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز حل کند. آمریکا بعد از فرایند آزادسازی عراق، برای بازگشت ساکنان تبعیدشده کرکوک بودجه خاصی اختصاص داد. «دولت آمریکا فقط ۵۰ میلیون دلار برای انتقال کردهای آواره به کرکوک تخصیص داد» (International Crisis Group, 26 January 2005: 9). در این میان، دولت ترکیه بعد از سقوط رژیم بعث در عراق به شدت نگران سیاست‌های آمریکا در کرکوک بود. مهم‌ترین دغدغه ترک‌ها این بود که آمریکا در مسئله کرکوک هیچ کاری انجام ندهد تا زمانی که دیگر کار تمام شود.<sup>۱</sup> در این راستا مقامات ترک، سیاست آمریکا را در سال‌های ابتدایی بعد از ۲۰۰۳ در قبال شمال عراق بی‌سیاستی (نبود سیاست) ارزیابی می‌کردند؛ زیرا از یک سو، آمریکا درگیر بحران سایر مناطق عراق - جنوب و مرکز- بود و از سوی دیگر، آمریکا را وامدار (مدیون) کردها می‌دانستند، زیرا کردها در جریان جنگ عراق کمک زیادی به آمریکا کرده بودند... هم‌چنین مدعی بودند که آمریکا سیاستی پویا بعد از ایجاد انجمن حاکمیت در ۲۰۰۳ برای حل بحران کرکوک نداشته است (International

۱. مراد دولت‌مداران ترکیه، تصرف و تسلط کردها بر کرکوک است.



13 (Crisis Group, 26 January 2005). اما واقعیت این است که آمریکا در مسئله کرکوک حمایت نکرده و مانند ناظری سلبی از اعلام هر نوع پروتکل و اظهار رسمی خودداری کرده است و تنها در حرف (اظهارنظر) از ماده ۱۴۰ قانون اساسی حمایت می‌کند (5: International Crisis Group, 28 March 2011).

به طور کلی آمریکا از ۲۰۰۳ تا امروز به استثنای حضور فعال و مؤثر در ایجاد سازوکار موسوم به طرح امنیت مشترک در ۲۰۰۹، راهبرد عملی برای مسئله کرکوک ارائه نکرده و سیاستی دوگانه و متناقض در قبال کردها به عنوان مهم‌ترین نیروی تأثیرگذار در کرکوک داشته است. کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا (۲۰۰۴)، در جریان تدوین قانون اساسی عراق چندین بار از پل برمر، حاکم دست‌نشانده آمریکا در عراق، درخواست کرد که بر کردها برای عقب‌نشینی از خواسته‌هایشان و رضایت دادن به قانون اساسی مد نظر سایر جناح‌های عراقی فشار وارد کند (بریمهر، ۲۰۱۰: ۴۱۷). هم‌چنین زلمای خلیل‌زاد، سفیر وقت ایالات متحده، حین بازدید از کرکوک در آگوست ۲۰۰۵ بیان کرد کشورش از طرد اعراب ساکن کرکوک که در دوره بعثی‌ها به این منطقه کوچ کرده بودند، حمایت نمی‌کند (Herald Tribune, 2005/8/12). ایراد این سخنان در آن مقطع به معنای حمایت نکردن آمریکا از مرحله اول ماده ۱۴۰ بود. در مقابل این اظهارنظر، جوزف بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در جریان نشست با مقامات سیاسی اقلیم کردستان در اوایل ۲۰۱۱ بر اجرای ماده ۱۴۰ و حمایت دولت آمریکا از این ماده تأکید کرد (گوفاری ۱۴۰؛ شوبات ۲۰۱۱: ۲۰). به عبارت کلی، این موضع‌گیری‌های متناقض در باب مسئله کرکوک نشان از آن دارد که در حال حاضر دولت‌مداران آمریکایی برنامه‌ای عملی برای کرکوک ندارند؛ اما هم‌چنان مهم‌ترین نیرویی هستند که می‌توانند مانع یا عامل سلطه جناحی خاص در کرکوک باشند.

علاوه بر ترکیه و ایالات متحده آمریکا، می‌توان از بازیگران خارجی دیگری اسم برد که نقشی کلیدی ندارند، اما قادرند غیرمستقیم در بحران کرکوک مؤثر واقع شوند. جمهوری اسلامی ایران، رژیم اشغالگر قدس، سوریه، عربستان سعودی، روسیه و اتحادیه اروپا منافع و علایقی در عراق و اقلیم کردستان عراق دارند.

بیشترین عواید مثبت بحران در عراق و ظهور کشورهای جدید و کوچک در منطقه نصیب رژیم اشغالگر قدس می‌شود که تجزیه کشورهای حیاتی را در راستای عمق راهبردی خود می‌بیند؛ زیرا حکومت‌های سکولار (غیرسلفی) بین‌الملل‌گرا را در حوزه منافع راهبردی خود می‌شمارد. ظهور کردستانی مستقل در منطقه، علاوه بر تضعیف

رقبای کلیدی رژیم صهیونیستی، از لحاظ امنیت راهبردی نیز تبادل اقتصادی و همسویی راهبردی را برای این رژیم به همراه می‌آورد. عربستان سعودی هم که عراق جدید را نمره منفی خود در پازل خاورمیانه می‌داند، در پی تضعیف حکمرانی شیعیان و ترمیم سیطره سنی‌ها در عراق است. بدین منظور عربستانی‌ها پیشنهادهای جذابی به کردها و حتی ترکیه کرده‌اند و در بعضی مقاطع (ژانویه ۲۰۱۳) همسویی محسوسی بین عربستان، قطر، اقلیم کردستان عراق و ترکیه شکل گرفته است که نمونه آن را می‌توان در پناه دادن آنها به طارق الهاشمی (که به هفت‌بار اعدام محکوم شده است) مشاهده کرد.

### ملاحظات امنیتی ایران در معادله کرکوک

جمهوری اسلامی ایران نافذترین قدرتی است که در اولین دهه پس از سقوط صدام، ملاحظات در سامان سیاسی عراق داشته است. ترکیب جمعیت و نیز رخنه رقبای بزرگ ایران در عراق، این کشور را به عرصه طبیعی تأثیر و تأثر ایران بدل کرده است. به طور کلی با درنگ در سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های اعلامی ایران در موضوع کرکوک می‌توان شش نکته تأمل‌انگیز را استخراج کرد:

۱. قدرت‌گیری گروه ناسیونالیست و استقلال‌طلب در معادله عراق با رویکرد کلان ایران در غرب خاورمیانه تضاد اساسی دارد.
۲. ایران در کنار ترکیه و بعضاً آمریکا نمی‌تواند به شکل‌گیری بغدادی ضعیف و چندپاره رضایت دهد؛ زیرا پدیداری دولتی فرومانده در عراق به حرکت‌های تروریستی در داخل ایران نیز دامن می‌زند.
۳. با توجه به بنیاد هویتی نزاع‌ها در کرکوک، رویکرد ایران به گونه‌ای بوده است که هویت متنوع را حول محور آموزه‌های دینی و نه مذهبی یا قومی، به گونه‌ای بسیج کند که بلوک آسیای غربی علیه اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی بسیج شوند تا علیه هویت‌های دیگر.
۴. ایران به مثابه خوشنام‌ترین همسایه کردهای عراق و قدرتی بسیار نافذ نزد نخبگان سیاسی اقلیم کردستان، حاوی سرمایه سیاسی و اجتماعی چشم‌گیری نزد عراقی‌ها و کردهای این کشور است؛ از این رو هر گونه جهت‌گیری به نفع شیعیان یا خود کردها باعث فرسایش این سرمایه می‌شود.
۵. اقلیم کردستان و رژیم اشغالگر قدس از جهات گوناگون شباهت‌هایی دارند و این رژیم حاضر و قادر است با رخنه در این منطقه بسیار راهبردی، رقبای حیاتی خود را رصد و نگران کند که در رأس آنها جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.



## نتیجه‌گیری

پرسش آغازین مقاله این بود که چه مسائلی حل مناقشه کرکوک را دشوار کرده‌اند و بازیگران کلیدی در ماجرای کرکوک کدام‌اند؟ در این نوشتار، نویسندگان کوشیدند معلومات، مشاهدات و داده‌های جمع‌آوری‌شده را برای آزمون این فرضیه به کار گیرند که دو عامل هویت‌خواهی فزاینده و امید به پایان محرومیت اقتصادی بلندمدت، مذاکره بر سر تقسیم فرصت‌ها در کرکوک را به منازعه بدل کرده است و نیروهای دخیل داخلی و خارجی به علت پر تعداد بودن و نیز منافع متعارضی که دارند، سبب امتداد و تشدید بحران در این منطقه از خاورمیانه شده‌اند. به عبارت روشن‌تر، ابهام در وضعیت فعلی و آتی کرکوک، معلول ناتوانی نیروهای مؤثر در اعمال هژمونی و حذف دیگری و نیز معلول هویت‌بنیاد شدن اختلافات است. شدت شکاف قومی، هویت را به ایدئولوژی طرف‌های دعوا بدل کرده و هر یک از طرفین برای ارتقای موضع خود در بازی با حاصل جمع صفر، به طور مرتب بازیگران جدید و قدرتمندی را دعوت کرده است (Aziz, 2011: 32). متعدد شدن عوامل تأثیرگذار در کنار شدت تعارض منافع مادی و هویتی آنها سبب شده است امیدهای اولیه برای تعیین تکلیف کرکوک رنگ ببازد (Barkey, Winter 2005). آنچه باقی می‌ماند منطق جاافتاده و کلاسیک سیاست‌ورزی در خاورمیانه است: بازگشت به بازدارندگی از رهگذر هژمونی، واپسین راهی است که اکنون طی می‌شود. چانه‌زنی بر سر مرز بین حکومت مرکزی بغداد و اقلیم کردستان عراق هنگامی ثمربخش است که اولاً ذهنیت طرفین نسبت به یکدیگر تغییر کند و مثبت شود و ثانیاً طرفین، پیوند و یکپارچگی را به لحاظ اقتصادی-سیاسی مفیدتر از گسست و چندپارگی ببینند. در حال حاضر و در میان مدت گمان نمی‌رود این ذهنیت اصلاح شود؛ زیرا به گمان بغداد، خودگردانی کردها مقدمه‌ای برای استقلال آنهاست و کردها معتقدند که بغداد قوی (جنبه نظامی) می‌تواند موجودیت و جایگاه حکومت اقلیم کردستان را در نظام فدرالی عراق با تهدید جدی مواجه کند. علاوه بر آن، هنوز فرهنگ مفاهمه و نیز پیوند اقتصادی متحدکننده بین شمال و مرکز عراق وجود ندارد و طرفین به غلبه می‌اندیشند تا همزیستی. در این معادله می‌توان ایران را مؤثرترین قدرتی قلمداد کرد که از بروز خشونت‌های هویت‌پایه در کرکوک متضرر می‌شود و ارزش‌های حیاتی خود را در معرض خطر می‌بیند. از این رو معادله کرکوک و سناریوهای پیش روی آن می‌تواند متحدان ایران و نیز تمامیت ارضی کشور را دچار اختلال کند.





## منابع فارسی

- حق پناه، جعفر (تابستان ۱۳۸۷)، «مسأله کرکوک و چالش‌های قومی- مذهبی در عراق جدید»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۸، ش ۲۰.
- غربا، شفیق. ن (بهار ۱۳۸۱)، «فرهنگ خشونت در عراق»، ترجمه علی قلی‌زاده، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۵، ش ۱، شماره مسلسل ۱۵.
- فرنگی، آیدین (۱۳۸۴/۹/۱۵)، «آینده کرکوک»، روزنامه شرق.
- قانع‌فرد، عرفان (۱۳۸۸)، پس از شصت سال، زندگی و خاطرات جلال طالبانی، تاریخ شفاهی معاصر عراق، تهران: نشر علم.
- قانون اساسی موقت عراق، برگرفته از: (۱۳۹۰/۸/۲۰) [www.rozane.com](http://www.rozane.com)
- مولوی، محمد (مرداد ۱۳۸۷)، «روند تخریب و نابودی کرکوک از کوزوو نیز ریشه دارتر است»، نشریه ترجمان سیاسی، ش ۲۹.
- میهن (۱۳۸۷/۵/۱۹)، «کرکوک سرنوشت عراق».
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «الگوی روش‌شناختی برای سنجش وزن حرکت‌های قومی، مذهبی و دینی»، منتشرشده در مجموعه مقالات ششمین همایش ملی انجمن علمی علوم سیاسی ایران با عنوان سیاست و آینده‌پژوهی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰.

## منابع عربی

- دستور جمهوریة العراق، برگرفته از: ([www.parlimant.iq/Iraqi](http://www.parlimant.iq/Iraqi) (27/10/2012))
- طالبانی، نوری (۱۹۹۱م)، منطقه کرکوک و محاولات تغییر واقعه القومی، الطبعة الثانية.
- مجلس محافظة کرکوک، سایت وابسته به انجمن سیاسی استان کرکوک: [www.karkukpc.net](http://www.karkukpc.net) (19/8/2012)

## منابع کردی

- محهمهد، فهراهاد حمزه (۲۰۱۱)، نهوت و کورد و که رکوک، چاپخانه‌ی شهید نازاد هه‌ورامی/ کهرکوک.
- بریمهر، پول (۲۰۱۰)، ساله‌که‌م له عیراق، وه‌رگیر محهمهد چیا، نیوه‌ندی ئاودنر بو چاپ و بلاو‌کردنه‌وه.
- حوسین، سه‌رکه‌وت عه‌بدوللا (۲۰۱۱)، شیوه زاره‌کانی شاری کهرکوک، چاپی وه‌زاره‌تی روشنبیری و لاوان، هه‌ولیر.



- داوودی، شوان (۲۰۱۲/۲/۱۲)، دوخی نیستای عه‌ره‌بی که‌رکوک و دوا روژیان، قابل دسترس در:
- شورش، شاخه‌وان (۲۰۰۳)، پاکتاوی ره‌گه‌زی له ناوچه‌ی که‌رکوک و نه‌گه‌ری ده‌ستیوه‌ردانی مروفانه.
- عارف، دلیر حه‌سه‌ن (۲۰۰۹)، که‌رکوک له‌به‌روشنایی راستییه‌میژووویه‌کاندا، کوردستان - که‌رکوک.
- عه‌زیزه‌حمده (۲۰۰۷)، راستی شاری که‌رکوک له‌نیوان رابووردوو و باری نه‌مرو دا.
- فه‌رمان، مه‌لا (۲۰۱۲/۹/۱۱)، هیرش و ته‌قینه‌وه‌کانی سهر که‌رکوک، قابل دسترس در:
- گو‌فاری ۱۴۰ (شوبات ۲۰۱۱)، سالی شه‌شم، ژماره‌ی ۳۴.

#### منابع انگلیسی

- Alkadiri, Road (2010), "Oil and the Question of Federalism in Iraq", *International Affairs*, 86: 6.
- Aziz, Mahir, A. (2011), *The Kurds of Iraq: Ethnonationalism and National Identity in Iraqi Kurdistan*, London: L. B. Tauris.
- Barkey, Henri J. and Laipson, Ellen (Winter 2005), "Iraqi Kurds and Iraq's Future", *Middle East Policy*, Vol. Xii, No.4.
- Chapman, Dennis P. (2011), *Security Forces of The Kurdistan Regional Government*, California, Mazda.
- European Parliament (23 June 2008), "Kerkuk Problem and Artical 140: Defining Alternatives", *The View of Kerkuk's Turkmen and Arabs*, Conference Report, Brussels.
- *Herald Tribune* (2005/8/12).
- International Crisis Group (26 January 2005), "Iraq: Allaying Turkey's Fears over Kurdish Ambitions", *Middle East Report*, No.35.
- International Crisis Group (28 March 2011), "Iraq and the Kurds: Confronting Withdrawal Fears", *Middle East Report*, No.103.
- International Crisis Group (28 October 2008), "Oil for Soil: Toward a Grand Bargain on Iraq and the Kurds", *Middle East Report*, No.80.
- International Crisis Group (8 April 2004), "Iraq's Kurds: Toward an Historic Compromise?", *Middle East Report*, No. 26.
- Olery, Brendon et al (2005), *The Future of Kurdistan in Iraq*,

Philadelphia, University of Pennsylvania.

-Ahmed, Mohammad M.A.(2004), *The Political Fallut of Ethinc  
Cleansing in Iraqi Kurdistan*, California, Mazda.

سایت

-<http://kirkuknow.com/Kurdish/?p=9750>

-[http://www.sbey.com/article\\_detail.aspx?ArticleID=6047&Author  
ID=47](http://www.sbey.com/article_detail.aspx?ArticleID=6047&AuthorID=47)

- [www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=12874](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=12874) (18/1/2012)

- [www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=20654](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=20654) (8/9/2012)

- [www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=22029](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=22029) (16/10/2012)

- [xendan.org/dreja.aspx?hewal&jmara=45267&Jor=1](http://xendan.org/dreja.aspx?hewal&jmara=45267&Jor=1)(16/ 10/ 2012)

- [kirkuknow.com/kurdish/?p=19156](http://kirkuknow.com/kurdish/?p=19156)(20 October 2012)

- [www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=222883](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=222883) (23/10/2012)

